



پویان امیری

شهاب‌الدین عزیزی خادم، چهره ناشناخته دیروز هیات‌رییسه فدراسیون فوتبال و رئیس سازمان تیم‌های ملی و رییس شورایعالی راهبردی فدراسیون فوتبال، امروز حرف‌های تازه‌ای برای فوتبال ایران دارد. فوتبالی که سال‌هاست آب خوش از گلویش پایین نرفته است.سوابق مدیریتی و صنعتی عزیزی خادم از او چهارهای اقتصادی ساخته است، مردی که در دوران وزارت پرویز کاظمی در وزارت رفاه، استرات همکاری با دولت نهم را زد و همراه با اولین اخراجی کابینه از بدنه دولت جدا شد. او در انتخابات هیات‌رییسه فدراسیون هم رقیب قدرتمندی نظیر علی فتح‌الله‌زاده را در مجمع شکست داد و برای قوانینی نظیر حضور گلرهای خارجی، ایجت‌های فوتبال، تشکیل کمیته فنی و توسعه و بر خورد با مدیریت کمیته‌های فوسال و جوانان تلاش‌های مثمر‌نم‌ری انجام داد.او همچنین توانست در مدتی کوتاه یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای فدراسیون فوتبال را منعقد کند و برای ۱۰ سال و تا پایان جام ملت‌های آسیا برای تیم ملی فوتبال ایران پرواز چارتر بگیرد. قراردادی که با وجود میل باطنی مسوولان فدراسیون و با فشار رسانه‌ها امضا شد!او باکس‌های تازه را برای خودش تعریف می‌کند، همین شورایعالی راهبردی که با پیشنهاد خودش به علی کفاشیان بوده و با رای هیات‌رییسه فدراسیون فوتبال مصوب شده است. او در روزهایی که فدراسیون توان در یافت یک ریال پول از وزارت ورزش ندارد، در تنه‌ها از وزارت‌های پوده‌جف گرفت بلکه مکان بسیار مناسبی را در مجموعه انقلاب برای فدراسیون در اختیار گرفت. به نظر می‌رسد او برنامه‌های بیشتری درای مدیریت فوتبال ایران دارد و البته با دست‌اندازهایی در درون فدراسیون روبه‌روست، مردی که احتلا به رئس‌اس در فوتبال ایران احداث دارد.

❧ در بین اعضای هیات‌رییسه فدراسیون فوتبال، ناشناخته‌ترین فرد هستی‌ده، چگونه با وجود چهره‌های رسانه‌ای مثل فتح‌الله‌زاده و رویانین شمارای آوردید؟ اول بگذارید، بگویم چگونه کلندیا شدم، بعد به بحث سوابق ورزشی خود بپردازم. من اعتقاد دارم با یک برنامه مدون و مدرن که عدالت‌محور هم باشد می‌توان ریشه و زیرساخت‌های فوتبال را درست کرد. معتقدم خلأ یک برنامه راهبردی و اقتصادی در فوتبال دیده می‌شود و خوبی آن را احساس کردم، به همین دلیل خواستم با حضور کمک کنم تا در یک فضای تعاملی به رشد فوتبال برسیم. با اینکه می‌دانم با قدم گذاشتن در این راه می‌توانم قربانی این کار شوم، همان‌طور که افراد بزرگی به همین دلیل قدم گذاشتن در راه برنامه‌محوری قربانی شدند. متأسفانه در فوتبال ایران برنامه‌ریزی وجود ندارد و تمام برنامه‌ها به صورت کلاف سردرگم در آمده است. من با وجود اینکه می‌دانستم ممکن است به دلیل فضای سموم فوتبال و شهرت که خود یک آفت است، یک قربانی دیگر باشم؛ با این حال به فوتبال آمدم. من بدون مطالعه وارد نشدم و برای اصلاح فوتبال و خدمت به کشور آمدم.

❧ با این حال شما شناخته‌شده نبودید و خیلی‌ها فکر نمی‌کردند، رای بیابورد؟

رورد من به فوتبال امعالمی بود، نه اعالمی، حتی باشگاه پیکان نمی‌دانست که من می‌خواهم در انتخابات شرکت کنم و به شخصه هم با هیچ فردی رایزنی نکردم با اینکه فتح‌الله‌زاده و رویانین چهره‌های رسانه‌ای هستند اما من در بین مدیران ورزشی،

شهاب‌الدین عزیزی خادم، عضو هیات‌رییسه فدراسیون فوتبال:

باید نظارت بیشتری روی کی‌روش صورت می‌گرفت



عکس:مهمن حسینی‌شرق

شناخته‌شده بودم زمانی که استقلال زیر نظر وزارت رفاه زمان وزارت آقای کاظمی بود، من معاون پارلمانی، حقوقی وزارتخانه بودم و برنامه‌ریزی برای باشگاه بزرگی مانند استقلال زیر نظر بنده بود و کاملاً با برنامه‌ریزی برای یک باشگاهی مانند استقلال آشنا بودم. همان سال استقلال قهرمان لیگ‌برتر شد. در همان زمان هم معتقد بودم با برنامه‌ریزی در فوتبال و ورود تجارت در آن می‌توان موفق شد، این یک اصل در مدیریت کلان است که در فوتبال هم می‌تواند باشد. در زمان انتخابات بعد از اینکه باشگاه پیکان فهمید که بنده کلندیا هستم، فکر می‌کنم با چند باشگاه صنعتی رایزنی کرد و بعضی از مدیران هم که از سابقه من در وزارت رفاه و باشگاه پیکان خبر داشتند در من رای دادند. من در روز انتخابات هم قبل از آغاز رای‌گیری هیچ حرفی ن‌زدم، حتی آقای فتح‌الله‌زاده که من را دلیل همان مراودات بین باشگاه استقلال و وزارت رفاه می‌شناخت، از من پرسید که چرا اینجا می‌آید من گفتم، برای کاری آمدم، زمانی ایشان فهمیدند من رقیبشان هستم که در جایگاه مخصوص کلندیا قرار گرفتم. با ۳۵ رای و با اختلاف زیاد نسبت به چهره‌های رسانه‌ای انتخاب شدم. من در همان زمان به آقای فتح‌الله‌زاده گفتم، من حاضرم کنار بکشم، تا ایشان عضو هیات‌رییسه شود، این خواهشم را نه یک‌بار، بلکه سه‌بار درخواست کردم، چون به نظر ما توجه به اینکه ایشان هم از من بزرگ‌تر بودند، هم مدیرعامل باشگاه استقلال بودند و هم پیش از این عضو هیات‌رییسه بودند، با بودن در این دوره در هیات‌رییسه چرخه ایشان کامل می‌شد. ما برای استقلال زحمت زیادی کشیدیم و بنده‌خدا آقای کاظمی به خاطر همین تحت پوشش قرار دادن استقلال بارها به دیوان محاسبات رفتند که یک اتفاق طبیعی است. هر مدیری که از پست خود می‌رود باید مدتی در دیوان محاسبات جایگواک باشد، به خصوص در ورزش که بعضی کمک‌ها تعریف شده است و این اتفاق طبیعی است.

❧ به نظر شما برای ورزش کدام مدل مدیریت درست است؟

❧ به نظر شما برای ورزش کدام مدل مدیریت درست است؟

مرور مذاکرات دو و چند جانبه آمریکا و کره شمالی

آرین پارسى

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

آرین پارسى، خبرنگار

مدیریت ورزش سخت است باید هم جایگویی مسوولان رده بالای خود باشند و هم جایگویی مردم، در ورزش با منابع انسانی که در اختیار دارید می‌توانید کارهای بزرگی انجام دهید. به نظر اگ یک مدیر ورزشی باشد بسیار خوب است. اما بعضی وقت‌ها فردی که تعیین می‌شود نه مدیر است نه ورزشی. اما اگر بخواهم بین مدیری‌بودن و ورزشی‌بودن یکی را انتخاب کنم، مدیری‌بودن بهتر است، چون مدیریت یک علم است که مانند یک چتر بزرگ است و ورزش را هم در برمی‌گیرد. در حوزه فوتبال کمتر پیش می‌آید که فردی مثل میشال پلاتینی پیدا شود که هم مقبولیت فوتبالی دارد و هم یک مدیر تواناست که یوفا را مدیریت می‌کند. رییس فدراسیون ژاپن، ماکودای تایلندی که کمپانی بنز را دارد با صفای‌فراهانی مدیران توانمندی هستند که با این حال فوتبالی هم نبوده‌اند البته ما شخصی مانند دادکان را هم داریم که هم مدیر توانایی بود و هم یک فوتبالیست بود.

❧ در بین کمیته‌هایی که وجود داشت شما چرا ریاست سند تدوین چشم‌انداز فوتبال را به عهده گرفتید؟ روزی که به فدراسیون فوتبال آمدم با آقای کفاشیان صحبت کردم و گفتم تنها جایی که می‌توانم کمک کنم، جایی است که در آن بتوان به صورت آکادمیک کار کرد. همه کشورهای پیشرفته فوتبال و حتی باشگاه‌ها یک سند چشم‌انداز دارند که برنامه‌های خودشان را طبق آن پیش می‌برند اما در فدراسیون فوتبال کشورمان چنین چیزی وجود نداشت. من پیشنهاد دادم و آقای کفاشیان حکم زدند، ما یک برگ کاغذ شروع کردیم و بعد از آن شروع به چانه‌زنی و رایزنی کردیم. چیزی که فدراسیون چه در بعد داخلی چه بعد خارجی فاقد آن بود. در مورد سند چشم‌انداز وزارت ورزش کمک زیادی به ما کرد. متعقدم با یک حرکت گروهی که نهادهای مختلف حکومتی در آن درگیر باشند می‌توان موفق بود.

❧ به نظر شما برای ورزش کدام مدل مدیریت درست است؟

❧ به نظر شما برای ورزش کدام مدل مدیریت درست است؟

❧ به نظر شما برای ورزش کدام مدل مدیریت درست است؟

❧ به نظر شما برای ورزش کدام مدل مدیریت درست است؟

۲۰۰۷- - در جولای ۲۰۰۷ با انتقال آن پول به پیونگ‌یانگ آژانس تأیید کرد که تاسیسات یونگ بیون تعطیل شده است. ششمین دور مذاکرات ۲۷ سپتامبر تا ۳۰تیر ازر سر گرفته شد. کره موافقت کرد تا ۲۱ دسامبر تمام برنامه‌های اتمی‌اش را اعلام کند. دوم تا چهارم اکتبر رییس‌جمهور کره‌جنوبی برای دومین‌بار در تاریخ به پیونگ‌یانگ می‌رود و توافقات خوبی صورت می‌گیرد اما در ۱۹ دسامبر با به قدرت رسیدن لی میونگ باک محافظه‌کار در کره‌جنوبی، سیاست دهه پیش مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد.

۲۰۰۸- - در ۲ ژانویه ۲۰۰۸ آمریکا اعلام کرد که تعهدات ۳۱ دسامبر کامل انجام نشده است. کره از کم‌کاری طرف‌های دیگر گفت و در فوریه شواهدی از کار روی دومین بمب اتم به سنا ارائه شد. ۲۴ آوریل آمریکا اعلام می‌کند تاسیسات بمباران‌شده سوریه را کره شمالی می‌ساخته است. در هر حال ۲۶ ژوئن کره مواد را اظهار کرد. بوش محدودیت تجارت را برداشت و اعلام کرد کره از فهرست تروریست‌ها حذف می‌شود. ۲۶ آگوست کره می‌گوید که از فهرست حذف نشده و روند یونگ بیون را متوقف می‌کند. ماه اکتبر کریستوفر هیل به کره می‌رود و کره از فهرست حذف می‌شود. کره روند تعلیق را از سر گرفت اما ماه نوامبر اجازه نمونه‌گیری را نمی‌دهد. در ۱۲ دسامبر کمک‌های سوختی آمریکا قطع می‌شود.

۲۰۰۹- - ۵ آوریل کره ماهواره پرتاب می‌کند اما گفته می‌شود این همان تانیو دونگ۲ است. ۱۳ آوریل شورای امنیت این را در بیانیه‌ای محکوم کرد. کره از مذاکرات خارج شد و اعلام کرد به هیچ توافقی پایبند نیست. شورای امنیت ۲۴ آوریل تحریم‌ها را افزایش داد تا ۴م۵ دسامبر آزمایش هسته‌ای را انجام دهد. ۱۲ ژوئن شورا قطعنامه ۱۸۷۴ را برای افزایش تحریم‌ها و نظارت بر اجرایی شدن آن صادر کرد. کره خبر از ادامه کار بر تاسیسات غنی‌سازی و مسلح کردن میله‌های سوخت می‌دهد. کلینتون در ۴ آگوست برای آزادی دو روزنامه‌نگار به کره رفت تا ۸ تا ۱۰ دسامبر نخستین نشست سطح بالا در دولت اواما بر گزار می‌شود.

۲۰۱۰- - پس از تنش‌های لفظی دو کره در ۱۰ مارس ۲۰۱۰ کشتی

کره‌جنوبی غرق می‌شود. ۱۲ نوامبر کره برای نخستین بار از توانایی تولید

یوآفی ۶ گفت. ۲۳ نوامبر به جزیره‌ای در کره‌جنوبی حمله توپخانه‌ای شد. شش

دسامبر آمریکا، کره‌جنوبی و ژاپن پیشنهاد چین برای برگزاری فوری مذاکرات

را رد کردند و تاکنون دیگر مذاکره مهمی انجام نشده است.

پس از ۲۰۱۰- - جیمی کارتر برای بررسی امکان مذاکرات برای بار دوم ظرف یک‌سال به کره رفت تا ماه جولای نمایندگان دو طرف به ازسرگیری مذاکرات چراج سبز نشان دهند. ۲۴ تا ۲۵اکتبر در ژنو مذاکراتی بین‌المللی گفت‌وگوها انجام شد اما ۲۹ دسامبر کیم چونگ اون رهبر تازه کره می‌شود. ۲۹ فوریه ۲۰۱۲ اعلام می‌شود که پیرو مذاکراتی کره موافقت کرده فعالیت‌های یونگ بیون را تعلیق کند. بازرسان را راه دهد و آزمایش‌های موشکی را استهمال کند. آمریکا می‌گوید ۴۴۰هزار تن مکعب کمک غذایی می‌کند. ۱۳ آوریل پرتاب ماهواره کره شمالی سوخت خورد تا کمک‌های غذایی متوقف شود. ۱۶ آوریل شورای امنیت بار دیگر کره را محکوم می‌کند. پرتاب ماهواره ۱۲ دسامبر موفق می‌شود. ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ شورا قطعنامه ۲۰۸۷ را در رابطه با فناوری موشک‌های بالستیک صادر می‌کند. تحریم‌ها تشدید و دارایی‌ها بلوکه می‌شود. ۱۲ فوریه داده‌های لرزه‌نگاری خبر از انجام سومین آزمایش هسته‌ای کره می‌دهند. قطعنامه ۲۰۹۴ در هفت مارس تحریم‌ها را باز هم شدیدتر و انتقالات مالی را هم بلوکه می‌کند.

ورزش . جهان

سه‌شنبه • ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۲

ادامه از صفحه ۷

تاریخ شبه‌جزیره کره را فاتحان نوشته‌اند

اسا آن هنگام که زاین برای جنگ با چین، عزم کرد از کره گذر کند، کره‌ای‌ها احساس «اهی» بودن کردند. کره برای دو جنگ ژاپن، (جنگ با چین (۱۸۹۴-۱۹۵) و جنگ با روسیه (۱۹۰۴-۵) ذبح شد. ژاپن به موازات این جنگ‌ها، تلاش می‌کرد آمریکا و بریتانیا را برای سلطه کامل بر کره متقاعد کند. سرانجام طی دو توافقنامه در سال ۱۹۰۵ به خواسته‌اش رسید. به این ترتیب، ژاپن بدون زحمت، ۲۵سال صعب و طولانی بر کره تحمیل کرد. اما کره‌ای‌ها فارغ از رنج و دردی که کشیدند، هیچ ایده قابل دفاعی برای مقابله با حاکمان استعمارگروشان نداشتند. آنها در نهایت، آزادی را همچون نواله‌ای از «متفقین» دریافت کردند؛ در فردای خاتمه جنگ‌جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ و با تسلیم‌شدن ژاپن، در توافقنامه فاتحان جنگ جهانی دوم مقرر شد، نیمی از آن من، نیمی از آن تو، رهایی کره‌جنوبی از یوغ استعمار ژاپن توسط آمریکا و رهایی کره‌شمالی توسط شوروی. اما با وجود آرزوی قلبی برای کامل کشوری از آن خود، کره‌ای‌ها هنوز کاملاً از کابینتولاسیون ژاپن رهایی نیافتند. متفقین گمان نمی‌بردند ملت کره بتواند تنها از عهده دولتی مستقل برآید. پیشنهاد آنها نوعی پدرخواندگی بین‌المللی برای مدتی نامعین بود. تا زمانی که پدر تشخیص دهد کره‌ای‌ها توان استقلال دارند. این اتفاق نیفتاد. کره‌ای‌ها استقلال فوری می‌خواستند. درنتیجه تحت‌نظارت سازمان ملر در ۱۵ اگوست ۱۹۴۸ در نیمه جنوبی شبه‌جزیره، سه‌سال پس از فرمان‌روایی نظامی آمریکا بر آن سرزمین، انتخابات برگزار شد. یک ماه بعد، در نیمه شمالی، دولتی کمونیست امور را در دست گرفت؛ دولتی به رهبری کیم ایل سونگ که پیش از جنگ‌جهانی دوم و آزادسازی دوکره نیز رهبری مبارزان کره‌ای علیه استعمار وحشیانه ژاپن را برعهده داشت.

اوضاع آرام نگرفت. هر نیمه ادعای سالاریت بر دیگری داشت، رجزخوانی پهلوان‌پنبه‌ها در دو سو، سرانجام جنگی تمام‌عبار آفرید. دوسال بعد در ۱۹۵۰ جنگ کره با حمله کره‌شمالی آغاز شد. جنگی از پس بی‌نتیجه‌ماندن مذاکرات وحدت و تاکلی می برگزاری انتخابات آزاد. پیشنهاد انتخابات سراسری را کیم ایل سونگ ارائه داده و شواهد از برتری کمونیست‌ها در شمال و جنوب حکایت داشتند. دولت وقت کره‌جنوبی با اینکه از محبوبیت چندانی برخوردار نبود و گامیه‌گاه با سرکشی سربازان چکچرا در نیروهای نظامی‌اش نیز مواجه می‌شد، پس از جنگ نقش دیگری هم داشت. حفظ منافع آمریکا و جبهه ضدکمونیست که کره به عنوان پایگاهی برای حفظ ژاپن تحت اشغال در مقابل چین و روسیه نگاه می‌کردند.

بازیگران بعدی هم وارد می‌شوند: در پی حمایت‌همه‌جانبه سازمان ملل و در اس آن آمریکا از دولت کره‌جنوبی، چین به کمک کره‌شمالی می‌آید ولی شوروی با تاکید بر بی‌طرفی طبق قراردادهای پس از جنگ با آمریکا، فقط به حمایت آنها اکتفا می‌کند. کره‌شمالی که تا پیش از آن مخالف نیروهای غربی به سرعت پیش‌روی می‌کرد سرانجام غلب رانده شده و جنگ در ۱۹۵۳ باخته یافت. منطقه‌ای غیرنظامی تحت‌نظارت نیروهای سازمان ملل شکل گرفت و تا همین امروز، دو نیم‌کره رابطه‌ای پرتخاصر را ادامه می‌دهند.



جنگی که بنا به آمار ارایه‌شده توسط مجله اروپایی افزون بر ۱/۲میلیون کشته برجا نهاد که به «جنگ فراموش‌شده» و «جنگ‌ناشناخته» هم شهره است چراکه با فاصله کمی از جنگ‌جهانی دوم و جنگ بر سروسای ویتنام رخ داده است. جنگ دوکره بی‌نهایت سبعا نه بود. جنایت از همان نخستین روز جنگ با فرمان رییس‌جمهور کره‌جنوبی آغاز شد؛ قتل عام کمونیست‌ها (و مظنونان به کمونیست) که در ۲۸ ژوئن صادر شد. تخمین‌ها از کشته‌شدن صد تا ۲۰۰هزار نفر حکایت دارند. مشهور ژنرال کره‌ای‌ها ملتی هستند که توانستند تاریک‌ترین اسرارشان را در روشنائی روز فخن کنند.

جهانی‌شدن نزاعی که اساسا، خلگی بود به بی‌نتی‌س راه برده‌که تا به امروز، ادامه دارد. دو کره هنوز در «صلح موقت» هستند.

فردا

مهم‌ترین مساله در سیاست خارجی کره‌جنوبی هنوز هم کره‌شمالی است. پس از دوراهی شبه جنگ سرد بین دو کره در سال ۱۹۷۱ با مداخله صلح‌سرخ جهانی مذاکرات وحدت دو کره مجدداً از سر گرفته شد که منجر به صدور بیانیه مشترک شمال-جنوب شد که سه بند اصلی داشت: اول، موضوع اتحاد مجدد باید بدون دخالت و تکیه بر قدرت‌های بیگانه حل شود. دوم، اتحاد مجدد باید به طریق صلح‌آمیز و بدون استفاده از زور علیه یکدیگر عملی شود و سوم اینکه این اتحاد باید تفاوت‌های ایدئولوژیک رژیم‌ها را به مر تبه یک اتحاد قومی ارتقا دهد. چنین بیانیه‌هایی اما تا به امروز کارساز نبوده است و افق وابط دو کره هنوز هم روشن نیست. به‌ویژه مناقشه اخیر و تنش‌هایی که کره‌شمالی با تهدیدهای مکرر نظامی‌اش آفریده، نشان می‌دهد که این بیانیه تا چه حد سست و قابل چشم‌پوشی بود. کره‌شمالی به راحتی آن را معلق کرد. و اکنون کره‌جنوبی باید نظاره کند ماجرای تبادل تهدید میان آمریکا و کره‌شمالی چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد که سرنوشت خود او هم خواهد بود. مردمانی که فرای جنگ جهانی دوم به کناری زده شده و قدرت‌های بزرگ برایشان تصمیم گرفتند، هنوز هم با وجود قدرت اقتصادی فراوان کره‌جنوبی به نظر نمی‌آید بتوانند بدون دخالت و مجوز قدرت‌های بزرگ به‌ویژه چین و آمریکا ب‌آینده شبه‌جزیره را رقم بزنند.

نخستین انتخابات آزاد و مستقیم در ۱۹۸۷ فصلی جدید در تاریخ کره‌جنوبی بود. کره‌ای‌ها یاد گرفتند با صدای خودشان سخن بگویند. مهم‌تر از دموکراسی، «عام‌لیت» به دست آوردن. چیزی که تاریخاً بلد نبودند. سؤل از خواب برخاست و می‌تواند خودش آینده را ترسیم کند؛ آینده شبه‌جزیره ره را. کره‌جنوبی ثابت کرد حتی «اهی‌ها» اگر زیرک باشند، می‌توانند میان «هنگ‌ها» زندگی کنند.

منابع:

- ۱- غرور و افتخار در سیاست خارجی کره‌جنوبی، کوهن دو کوستر، ۲۰۰۵.
- ۲- ده سال بعد: آخرین تأثیرات بحران مالی آسیا، مارک ویسپورت، ۲۰۰۷.
- ۳- کره: داستان ناگفته جنگ، ایان دیر، ۱۹۸۱.
- ۴- اشک‌های خون: نبرد کره در راه آزادی، یانگ یو، ۲۰۱۲.